

گزارش

حاشیه‌ای بر نشست ۸ ساعته نمایندگان تشکیل‌دهندگان دانشگاهی با ریاست قوه قضائیه

جلسه‌ای که فرمایشی نبود



سیدمحمدعلی رئیس‌السادات*: سه‌شنبه صبح جلسه سران قوه قضائیه با ۴۹ نفر از فعالان دانشجویی بود و هر ۵ شکل بزرگ وزارت علوم و بهداشت نمایندگان خود را جهت شرکت در جلسه معرفی کرده بودند. بعد از سلام و احوالپرسی تشکیلاتی، نخستین مسأله مورد صحبت شرکت‌کنندگان، ترتیب سخنرانان بود. برخلاف جلسات معمول با مسئولان، به ازای هر بخش صحبت نمایندگان تشکیل‌دهنده، زمان پاسخگویی برای رئیس قوه در نظر گرفته شده بود. با اینکه قبل از جلسه تصویری مبنی بر فرمایشی بودن جلسه شکل گرفته بود و حتی لایه‌لای شوخی جدی‌های دانشجویی هم رگه‌های این دیدگاه دیده می‌شد، همین گام اول تمام فرضیه‌های اینچینی را به هم ریخت: پاسخگویی در قبال تمام سخنرانان!

در عمل هم همین شد. ابتدا چند دقیقه صحبت مقدماتی پیرامون جلسه، عذرخواهی بابت طولانی شدن زمان بین جلسات قوه و دانشجویان و البته صحبت‌هایی پیرامون اهمیت علم و قدرت علم، هرچند محوریت صحبت‌ها به سمت حوزه رفت اما کوتاه بود و راهگشا. صحبت دانشجویی که شروع شد تصور فرمایشی بودن کلاما محو شد و جای خود را به پاسخگویی داد. رئیس قوه کاغذ و قلم برداشت، یادداشت کرد و حین ایراد سخنان نماینده جامعه اسلامی که نوبت اول را داشت شروع به پرسش کرد.

-اینجا منظور تان را واضح‌تر می‌فرمایید؟
 -در این باره مصادیقی صحبت می‌کنید؟
 -اینکه گفتید منظور من بودم یا دیگری؟
 جولوهر که رفتم حتی تصورمان از جلسه با مسئول عالی‌رتبه جمهوری اسلامی ایران هم بالکل عوض شد. ورود شخص رئیس قوه به دیالوگ با دانشجویان عملاً فضا را از سمت صحبت‌های یک سویه از جانب طرفین به سمت ایجاد دیالوگ بین مسئول قوه با دانشجویان برد. نتیجه اولیه این اتفاق این بود که هرکس در جلسه حضور داشت به خودش اجازه صحبت داد و در قبال تمام مباحث پاسخ شنید و البته جلسه که ۳ ساعت در نظر گرفته شده بود تا اذان مغرب ادامه یافت.

صحبتی از جانب تشکل‌ها و حاضران در جلسه بیان نشد که رئیس قوه بدون پاسخ از آن گذر کند. فضای دانشجویی و البته انعکاسی که از عملکرد قوه در کف جامعه و دانشگاه وجود داشت جلسه را به سمتی برد که از جانب تمام دانشجویان انتقاداتی به قوه قضائیه وارد شد که بعضاً هم بسیار تند و بی‌پروا بود. شخص رئیس قوه ۳ نوع پاسخ به مباحث مطرح شده داشت؛ قسمت اول مواردی بود که صرفاً سوال شده بود و ایشان صرفاً پاسخ داد. مثل مسأله نگرانی در قوه که برای ما مجهول بود.

قسمت دوم مواردی بود که مطالبه‌ای از دانشجویان وجود داشت یا به قوه انتقاد شده بود که ایشان پاسخگو بود. مثلاً درباره اینکه پرونده منصور نظری و رضا شهبانی چه بوده، توضیحات کاملی ارائه شد که اکثر قریب به اتفاق دانشجویان را قانع کرد یا درباره شائبه برخورد سیاسی قوه با اشخاص توضیحاتی ارائه شد. قسم سوم هم مواردی بود که در انتقاد به قوه خود رئیس قوه با دانشجویان هم نظر شد. اختصاصاً درباره عملکرد قوه در پیشگیری از جرائزه و وظیفه بازرسی یا ایرادات ساختاری قوه، ایشان نظر دانشجویان را تأیید کرد.

ما نرفته بودیم در همه موارد پاسخ بگیریم و سابقه جلسات اینچینی هم به ما می‌گفت سوال بی‌جواب زیاد خواهیم داشت اما حتی درباره مناسبات خانوادگی رئیس قوه بی‌جواب بازنگشتم. قاعدتا از همه جواب‌ها هم قانع نشدیم اما جلسه بیش از همه چیز یادآور شرایط پویای دهه ۶۰ جنبش دانشجویی و همگامی منحصر به فرد افرادی چون شهید بهشتی، رهبری و شهید مطهری در پاسخگویی به مسائل دانشجویان بود.
 ادامه در صفحه ۵

موگرینی با طرح ادعای عجیب گنجانده شدن یک «نیم‌جمله» در متن برجام در ارتباط با مسائل منطقه‌ای موضع ترامپ مینوی. بر فشارهای جدید علیه ایران را تقویت کرد



همزبانی بعد از همدلی

- عراقچی: اظهارات موگرینی لفاظی است
- قبلاً ترامپ هم درباره اروپا مسأله مائور هائینی داده بود
- متن برجام هیچ ارتباطی به مسائل منطقه‌ای ندارد
- مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا:
- ما اروپایی‌ها در بسیاری از دلمشغولی‌ها از جمله در ارتباط با وضعیت منطقه و برنامه موشک‌های بالستیک ایران با ایالات متحده سهیم هستیم

دولت و مجلس به عهد خود وفادار بمانند

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدرضا میرالدینی*

نگاه میهمان
 هدفمندسازی یارانه‌ها فراز و نشیب‌های بسیار دارد که متاسفانه عده‌ای بدون توجه به اهداف اولیه هدفمندی و وعده‌هایی که مجلس و دولت به مردم داده‌اند اقدام و دقیقاً برخلاف قانون اولیه می‌توان گفت حضور مدیران ارشد کشور بویژه مسئولان قوای سه‌گانه در میان دانشجویان برای شنیدن سخنان آنها، پاسخ و رفع دغدغه‌ها و ابهامات کمتر از انگشتان یک دست بوده است. این اتفاق با حضور کابینه حسن روحانی در مصدر قوه مجریه تشدید می‌شود و به‌رغم اینکه دولت به لحاظ سیستماتیک ارتباط مستقیم و بسیار در هم تنیده‌ای با جامعه دانشگاهی کشور دارد، همان حضورهای حداقلی گذشته هم قطع شده و ارتباط چهره به چهره دانشجویان با مسئولان به برخی جلسات خصوصی، چند نفره و اغلب با اغراض سیاسی در ایام انتخابات محدود می‌شود. البته این فقدان، زمانی بیشتر به چشم می‌آید که حسن روحانی به عنوان رئیس‌جمهور ارتباط چهره به چهره با جامعه دانشگاهی و دانشجویان کشور را به جلسات بسیار معدود با فضایی کاملاً امنیتی یا دستچینی از دانشجویان و اساتید تبدیل کرده و به جای پاسخگویی و رفع شبهه، تلاش می‌کند از میان دانشجویان برای خود پیاده‌نظام جمع‌آوری کند.

۴- دوشنبه گذشته غلامحسین محسنی‌آزاهای سخنگو و معاون اول قوه‌قضائیه پس از مدت‌ها با حضور در جمع دانشجویان دانشگاه شریف خیرساز شد. در جریان این حضور، نمایندگان طیف‌های مختلف دانشجویان که تقریباً همگی منتقد تند و تیز قوه‌قضائیه بودند به همراه چند تن از افراد دیگر مانند «منصور نظری» شاعر منتقد دستگاه قضا فرصت صحبت یافته و هر آنچه می‌توانستند نثار محسنی‌آزاهای و قوه‌قضائیه کردند، سخنانی بعضاً تند بالحنی زنده که انتقاد بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران را هم به دنبال داشت. خیلی‌ها گفتند این حضور هرچند بعد از مدت‌های زیادی صورت گرفته اما نباید فضای آزاد ایجاد شده برای دانشجویان مورد سوءاستفاده برخی قرار بگیرد و آنقدر فضا تند شود که همه چیز از دایره پرسش و پاسخ و منطق و استدلال خارج شود.

۵- قوه قضائیه در بسیاری از نظام‌های سیاسی این دیدار بسیاری از دغدغه‌های دانشجویان، مطرح، پاسخ‌ها گفته و حتی دانشجویان برای برخی مسائل مهم قول مساعدت از رئیس قوه می‌گیرند. این دیدار برای مدت‌ها در آذهام دانشجویان باقی می‌ماند و البته برای مدتی

آنچه الان مهم است و باید بر آن تمرکز کرد قبل از هر چیز این است که توجه کنیم تئوری شکاف و اختلاف میان اروپا و آمریکا به سرعت شکست خورده است. چند ماهی است در ایران کسالتی آشکار و نهان می‌گویند ایران به جای آنکه پل شکاف باشد باید در شکاف آمریکا و اروپا حرکت کند. مقصودشان هم به زبان فارسی ساده این است که وقتی آمریکا از برجام (عملاً و با اعمال تحریم‌ها) خارج شده، ایران نباید واکنشی نشان بدهد و بهترین کار ادامه دادن برجام با اروپاست. تئوری شکاف اکنون ضرباتی مهلک خورده است. موگرینی دقیقاً همان تفسیری را از متن برجام ارائه داده که رادیکال‌هایی مانند ترامپ و هیلی ماه‌هاست از آن سخن می‌گویند. تنها پدیده‌ای که رخ داده و واقعا باید آن را جدی گرفت این است که بعد از چند ماه مذاکره افشاده اروپایی‌ها با کنگره و دولت آمریکا که ظاهراً با هدف حفظ برجام صورت می‌گرفت، حالا خانم مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپایی با نیکی هیلی هم‌نظر شده و تلویحاً می‌گوید برنامه موشکی و منطقه‌ای ایران با استناد به جمله‌ای که خود ایران در متن توافق گنجانده، منجر به افزایش صلح و امنیت در منطقه نشده و در نتیجه اروپا در نگرانی آمریکا بر سر این موضوع شریک است. جولوهر که برویم، تئوری وجود شکاف میان اروپا و آمریکا بر سر «اهمید مهر ایران با استفاده از برجام» با بجران‌های جدی‌تری هم مواجه خواهد شد. این هم‌زبانی در ارائه تفسیرهای شاذ مشترک از متن برجام تازه اول داستان است. تئوری شکاف قادر خواهد بود رفتار اروپا و آمریکا را تبیین و پیش‌بینی کند و نه از عهده صیانت از منافع ملی ایران برمی‌آید. واقعا ماجرا آقدر پیچیده نیست که برای بی‌بردن به کنه آن نیاز به چنین افسانه‌هایی باشد. بسیار ساده و روشن مسأله این است: اروپا و آمریکا هر دو برجام را می‌خواهند به این معنا که ایران به تعهداتش در توقف برنامه هسته‌ای پایبند باشد. هر دو هم از برنامه موشکی و بویژه برتری منطقه‌ای ایران سخت‌نگراند و در بی‌یافتن راهی برای وادار کردن ایران به «عمتاندسازی» در این حوزه‌ها می‌گردند. مهم‌تر از اینها، هر دو طرف عقیده دارند بخش‌هایی از دولت آقای روحانی به برجام «بازسیاست داخلی» دارد و در نتیجه اگر برجام گروگان گرفته شود، در حوزه‌های غیرهسته‌ای از جمله برنامه موشکی و منطقه‌ای می‌توان از آنها امتیاز گرفت. تنها اختلاف شاید کمی جدی این است که امتیازگیری موشکی و منطقه‌ای از ایران باید بخشی از «روند اصلاح متن برجام» باشد یا این‌که می‌تواند در چارچوب «مذاکره مکمل» بدون دست زدن به متن برجام هم محقق شود؟
 ادامه در صفحه ۵